

مستند	۱۶۶۱-۱۶۸۱	John's Govt
مستند	۱۶۸۱-۱۶۹۱	John's Govt
مستند	۱۶۹۱-۱۷۰۱	John's Govt
مستند	۱۷۰۱-۱۷۱۱	John's Govt
مستند	۱۷۱۱-۱۷۲۱	John's Govt
مستند	۱۷۲۱-۱۷۳۱	John's Govt
مستند	۱۷۳۱-۱۷۴۱	John's Govt
مستند	۱۷۴۱-۱۷۵۱	John's Govt
مستند	۱۷۵۱-۱۷۶۱	John's Govt
مستند	۱۷۶۱-۱۷۷۱	John's Govt
مستند	۱۷۷۱-۱۷۸۱	John's Govt
مستند	۱۷۸۱-۱۷۹۱	John's Govt
مستند	۱۷۹۱-۱۸۰۱	John's Govt
مستند	۱۸۰۱-۱۸۱۱	John's Govt
مستند	۱۸۱۱-۱۸۲۱	John's Govt
مستند	۱۸۲۱-۱۸۳۱	John's Govt
مستند	۱۸۳۱-۱۸۴۱	John's Govt
مستند	۱۸۴۱-۱۸۵۱	John's Govt
مستند	۱۸۵۱-۱۸۶۱	John's Govt
مستند	۱۸۶۱-۱۸۷۱	John's Govt
مستند	۱۸۷۱-۱۸۸۱	John's Govt
مستند	۱۸۸۱-۱۸۹۱	John's Govt
مستند	۱۸۹۱-۱۹۰۱	John's Govt
مستند	۱۹۰۱-۱۹۱۱	John's Govt
مستند	۱۹۱۱-۱۹۲۱	John's Govt
مستند	۱۹۲۱-۱۹۳۱	John's Govt
مستند	۱۹۳۱-۱۹۴۱	John's Govt
مستند	۱۹۴۱-۱۹۵۱	John's Govt
مستند	۱۹۵۱-۱۹۶۱	John's Govt
مستند	۱۹۶۱-۱۹۷۱	John's Govt
مستند	۱۹۷۱-۱۹۸۱	John's Govt
مستند	۱۹۸۱-۱۹۹۱	John's Govt
مستند	۱۹۹۱-۲۰۰۱	John's Govt
مستند	۲۰۰۱-۲۰۱۱	John's Govt
مستند	۲۰۱۱-۲۰۲۱	John's Govt
مستند	۲۰۲۱-۲۰۳۱	John's Govt

تاریخ جامع ادیان

با ویرایش جدید

جان بایر ناس

مترجم

علی اصغر حکمت



۱۳۹۸

فهرست مطالب

۱	بخش نخست: ادیان ابتدایی و گذشته
۵	۱. دین در قبل از تاریخ و در فرهنگهای ابتدایی
۴۷	۲. ادیان اقوام پیشین
۱۲۵	بخش دوم: مذاهب هند
۱۳۰	۳. هندوویزم قدیم
۱۶۱	۴. جینیزم
۱۷۶	۵. بودیزم در مراحل اولیه
۲۰۴	۶. تحولات مذهبی در بودا
۲۵۱	۷. هندوویزم در قرون اخیر
۳۰۲	۸. آیین سیخ یا سیک
۳۱۷	بخش سوم: ادیان خاور دور
۳۲۲	۹. دین چینیان و مذهب تائو
۳۶۸	۱۰. کنفوسیوس و کنفوسیائیزم
۴۲۱	۱۱. شینتو
۴۴۵	بخش چهارم: ادیان خاور نزدیک
۴۴۹	۱۲. کیش زردشتی یا آیین دوگانه پرستی اخلاقی
۴۸۴	۱۳. مذهب یهود
۵۷۵	۱۴. مسیحیت در آغاز ظهور
۶۰۸	۱۵. تحولات مذهب عیسوی
۷۰۴	۱۶. اسلام
۷۹۳	فهرست مآخذ
۸۰۵	فهرست راهنما (نمایه)

مقدمه بر بخش نخست

همه ادیان، به هر راه و بیانی که باشد، متفقند بر اینکه انسان قائم به ذات خود نیست و نمی‌تواند باشد. زندگی او به نحو اساسی به قوای موجود در طبیعت و اجتماع خارج از ذات او، پیوسته و بلکه وابسته بدانست. انسان، به‌طور مبهم یا روشن، می‌داند که قوه مرکزی مستقلی که بتواند، جدا از این جهان، قائم به نفس خود باشد نیست.

این ادراک در مشاعر ابتدایی به صورت اعتقاد به وابستگی به قوا و نیروهای موجود در محیط مجاور اجتماعی و طبیعی آغاز شده و در ادیان برتر، به صورت اعتقاد به علت اولای اشیاء و اعتقاد به موجودی انسانی یا غیر انسانی که آفریننده عالم و اصل حاضر و موجد هستی و عملکرد آن است، درآمده است. ادیان در هر یک از این دو حالت، به‌عنوان قاعده کلی، انسان را به‌قوه یا قوای عامل طبیعت و اجتماع از نزدیک مربوط می‌دانند و این هر دو را همچون گردونه‌های قدرت و یا حامل آن می‌انگارند.

اگر چه اعتقاد به خدا در ادیان برتر موجب می‌شود که مردم خود را در این جهان همچون مسافری غریب پندارند و مسکن واقعی خود را در آسمان بدانند، اما این اعتقاد، به‌طور کلی و نوعی، در همه ادیان انسان عمومیت ندارد؛ در حقیقت، چنین اعتقادی ایمانی است که در وضعی خاص ایجاد شده است. روش کلی بر این است که رابطه میان انسان و جهان او رابطه ذاتی و حیاتی است، نه عرضی و خارجی. اگر گاهی چهره ظاهری طبیعت غیر قابل اعتماد نشان داده شده، اما درجه عالیت و واقعیت به امری ژرفتر در درون طبیعت نسبت داده شده است.

بیشتر مردمان، از جنگل‌نشینان گرفته تا افراد اجتماعات پیشرفته در فرهنگ، انسان را تنها غرض‌گانی همه‌چیز نمی‌دانند. چنین اعتقادی مخالف آن احساس بسیار عمیقی است که به موجب آن همهٔ حیات وهستی انسان وابسته به قوایی است که خارج از ذات اوست، ولی به يك معنی در طبیعت با او همانند است و باید با او هماهنگی کند. احساس اصلی همهٔ ادیان همین است.

برای اینکه این معنی از پیشاپیش درك شود، باید به ادیان ابتدایی و گذشته توجه بیشتری کرد. ممکن است گفته‌های این ادیان غیر فلسفی و غیر علمی باشد، یا چیزی جز قبول بی‌چون و چرای دریافتهای حواس یا امور خیالی و رمزی نباشد، اما این ادیان، به شیوهٔ خاص خود، آنچه بهتر توانسته‌اند گفته‌اند.

فصل اول

دین در قبل از تاریخ و در فرهنگهای ابتدایی

دین، در صور نخستین خود، آدمیزاد را توانا ساخت که نسبت به حقایق عالم هستی، که محیط و مجاور او بودند - مانند قوای طبیعت، ارواح گذشتگان، نیروی موجود در بشر و در مؤسسات اجتماعی - روشی خاص در پیش گیرد. پس از روزگاری که دامنهٔ افکار انسانی وسعت گرفت و به یاری تجربه و نیروی آزمایش توانست امور طبیعی را در موقع خود بشناسد و در محل خود جای دهد و با دایرهٔ محیط خود رابطه‌ای وسیعتر ایجاد کند، در امر «خدایان بزرگ» و «خدایان طبیعی» و بالاخره در بارهٔ «آفریدگار آسمان» به فکر و اندیشه فرو رفت.

فصلی که اکنون در این کتاب آغاز می‌کنیم و فصول آینده کتاب بیان تحول این راستاست!

۱) مؤلف در اینجا قبل از آغاز بحث به بیان سه تمبیر که در توصیف جوامع نخستین به کار می‌رود - یعنی الفاظ «ابتدایی»، «وحشی» و «پیش از عصر نگارش» - پرداخته‌گوید: «بسیاری از محققان محتاط در تاریخ تمدنهای جهانی لفظ «ابتدایی» را، که دلالت ضمنی بر دونیایی و حقارت و فقدان مطلق پیشرفت دارد، با تردید به کار می‌برند؛ زیرا جوامع نخستین در حد خود غالباً به نحوی وافر توسعه یافته هستند و از نظر کیفی نیز خصوصیات ستایش‌انگیزی دارند که نمی‌توان آنها را مشمول چنان مفهوم حقارت آمیزی دانست. کلمه دیگری که با بی‌توجهی بیشتر در توصیف این فرهنگها به کار می‌رود لفظ «وحشی» در برابر «تمدن» است که مشعر بر قساوت، فقدان اخلاق و بربریت است، و این سه وصف همان قدر از خصوصیت‌عمومی فرهنگهای نخستین به دور است که احتمال وجود آنها در جوامع صاحب فرهنگ برتر می‌رود (یعنی فقط منحصر به آن جوامع نیست). اما تعبیر «پیش از عصر نگارش» نیز تعبیری نارساست؛ زیرا منحصرأ توجه را به يك بعد از خصوصیات فرهنگهای دیرینه و نخستین جلب می‌کند و تنها نگارش را وجه تمیز و محور تقسیم جوامع قرار داده است. از این رو، ما از توصیف «وحشی» و «عصر پیش از نگارش» صرف نظر کرده، همان لفظ «ابتدایی» را، با اندکی تردید، در توصیف جوامع و فرهنگهای کوچک و